

زنان کارگر، مصمم در میدان مبارزه

بود. زنان کارگر بارها و بارها با اعتراضات سنجیده و بحق خود سخنان محبوب، دبیر کل تشکل زرد و ارتجاعی خانه کارگر، را قطع کرده و خواستار حل مشکلات کارگران و زحمتکشان شدند. روزنامه کار و کارگر، در تاریخ ۷ تیرماه امسال، ضمن درج گزارش این نشست، به طور خلاصه به این اعتراضات اعتراف کرده و نوشته است: «یکی از بانوان شاغل در بیمارستان امین صادقیه طی سخنانی نسبت به تعطیلی کارخانجات و برخی مراکز درمانی و نیز

ادامه در صفحه ۴

حضور چشم گیر و کاملاً محسوس زنان کارگر در جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان نوید دهنده آغاز حرکتی پر توان و بسیار با اهمیت در میان زنان طبقات زحمتکش و محروم جامعه ماست. طی سال جاری، زنان کارگر، نقش برجسته و موثری در حرکات متعدد اعتراضی، از اعتصاب و تحصن گرفته تا راه پیمایی، بر عهده داشته اند. زنان کارگر شاغل در شرکت جامکو، در روز ۵ مرداد ماه، در جریان تحصن کارگران این شرکت، نقش سازمان گر و سخنگو داشتند. روزنامه «جمهوری اسلامی» به تاریخ ۶ مرداد ماه، ضمن درج گزارش این تحصن کارگری در تهران، از جمله یادآور شد که، کارگران معترض، به ویژه زنان پلاکاردهایی در دست داشتند که، بر روی آنها نوشته شده بود «ما کارگران جامکو ۱۲ ماه است حقوق نگرفته ایم».

در جریان نشست ماهیانه شوراهای اسلامی کار استان تهران، که در تاریخ ۶ تیرماه، در محل وزارت کار و امور اجتماعی، برگزار شد، باز هم نقش زنان زحمتکش بارز

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۱، دوره هشتم
سال هفدهم، ۱۵ شهریور ۱۳۷۹

هشدار باش!

خطر یورش ارتجاع حاکم به جنبش مردمی، خطری جدی است!

- اجلاس مجلس خبرگان رژیم برای چاره جویی پیرامون اوضاع بشدت وخیم کشور
- دخالت آشکار نیروهای سرکوبگر، از جمله سپاه پاسداران در حمله به جنبش دانشجویی
- تهاجم گسترده تبلیغاتی ارتجاع برای پرونده سازی و زمینہ چینی سرکوب وسیع جنبش
- منظور از سازمان یافتگی جنبش، ایجاد آن چنان آمادگی در جنبش است که بتواند به صورت متحد و هماهنگ به مقابله سیاسی با توطئه های ارتجاع برخیزد.

زمینه «تصمیمات مهمی» اتخاذ کرد. هاشمی رفسنجانی، کارگزار کهنه کار ارتجاع و استبداد، در سخنانی در نماز جمعه این هفته تهران، ضمن اشاره به این نشست، از جمله گفت: «اعضای مجلس خبرگان رهبری این بار به خاطر حساسیت این مقطع تاریخ بیش از شرایط معمولی و اجلاس های گذشته به صحنه آمدند... در اجلاس خبرگان همه با تمام وجودشان احساس کردند که دشمنان با خیل حيله وارد میدان شده و اسلامیت نظام را هدف گرفته اند... مهمترین هدف دشمن در ایران این است که حاکمیت اسلام نباشد و چیزی به نام ولایت فقیه نباشد و خبرگان رهبری عمده تاً روی این مسئله تأکید داشتند و نگران بودند.» و حرف آخر اینکه: «ما در شرایطی قرار گرفتیم که با تعارف نمی شود بگذاریم مسائل مملکت اینگونه جریان داشته باشد» (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، جمعه، ۱۱ شهریور ۱۳۷۹).

طرح این مسئله از سوی رفسنجانی، که به گمان او و سایر رهبران رژیم، خطر بر ضد رژیم «ولایت فقیه» بسیار جدی است و آنان مصمم اند اجازه ندهند اوضاع کشور به این شکل ادامه یابد، بی شک نشانگر آنست که در عالی ترین سطح تصمیم گیری رژیم «ولایت فقیه» تصمیمات مهمی پیرامون

ادامه در صفحه ۶

مرتجعان حاکم، به رهبری «ولی فقیه»، یورش تازه بی را برای ضربه زدن به جنبش مردمی و روند اصلاحات در ایران آغاز کرده اند. در هفته های اخیر، در پی یورش «ولی فقیه»، به حق نمایندگان مردم در بررسی و تصویب قوانین مملکتی، از یک سو بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع با سر دادن فریاد «وا اسلاما»، جو تحریک آمیزی را برای ورود چاقو کشان و مزدوران مسلح و نیمه مسلح به صحنه فراهم آوردند و از سوی دیگر، با تدارک وسیع و از پیش سازمان یافته بی، نیروهای مسلح رژیم، چه رسمی و چه غیر رسمی، به میدان مبارزه بر ضد جنبش وارد شدند. یورش مسلحانه مزدوران سپاه پاسداران به دانشجویان آزادی خواه، که به مناسبت اردوی دفتر تحکیم وحدت در خرم آباد گرد آمده بودند، در کنار تهدیدهای فرماندهان سپاه به این بهانه که، در حالی که «اسلام و روحانیت در خطر است» سکوت جایز نیست، همگی نشانگر اوضاع بسیار حساس کشور و همچنین آغاز دور جدیدی از تهاجم ارتجاع به جنبش مردمی است. علی رضا افشار، از سردمداران سپاه پاسداران و معاون فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا، در روز شنبه ۱۲ شهریور ماه، در سخنان تهدید آمیزی گفت: «چگونه می شود تحمل کرد که بگویند دین افیون ملتهاست. کلمه ای که در زمان شاه هم کسی جرأت نمی کرد بر زبان بیاورد... امروز اگر می خواهیم انقلابمان را حفظ کنیم و زندگی خود را در این شرایط با اطمینان طی کنیم باید بینیم رهبری چه می گوید و دقیقاً به آن عمل کنیم. البته این به معنای سکوت نیست...»

افزون بر این، مجلس خبرگان رژیم، در یک نشست بحرانی، به بررسی وضع وخیم کشور و پایه های بسیار لرزان «ولایت فقیه» پرداخت، و در این

بزرگ ترین قرار داد نفت و گاز پس از انقلاب،

و منافع میهن ما در ص ۵

کلمبیا ویتنامی دیگر برای امپریالیسم یانکی در

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

«آرامش فعال»، سیاست تحلیل شده به جنبش

حادثه خرم آباد، که در جریان آن، همانند دیگر حوادث مشابه، مزدوران هدایت شده توسط ذوب شدگان در ولایت، توانستند ضمن ضرب و شتم دانشجویان شرکت کننده در اردوی دفتر تحکیم وحدت، کتک زدن استاندار لرستان، به قتل رساندن یکی از افراد نیروی انتظامی حین فیلمبرداری، اقدام به ضرب و شتم تاج زاده معاون وزیر کشور، تهدید کدیور و سروش و ممانعت از ورود آنها برای سخنرانی در نشست دفتر تحکیم، آن را به تعطیلی بکشاند، مهم ترین خبر سیاسی در طول هفته گذشته بود. به دنبال این سرکوب گری ها، دفتر تحکیم وحدت، دست اندرکاران مسئول، و فعالان سیاسی و تشکل های مجاز در جمهوری اسلامی، هر کدام از زاویه و دید منافع خویش، به موضع گیری در این باره پرداختند. در همین حال، تعداد زیادی از مردم خرم آباد، بدون توجه به درخواست های «اصلاح طلبان» مماشات گر و هشدارهای جنایت کاران در چندین نوبت متوالی در حمایت از دانشجویان دست به راه پیمایی و تظاهرات مستقلی زدند. با اینکه جبهه مشارکت اسلامی، در اطلاعیه روز یکشنبه خود در این باره، چنین اقداماتی را منتسب به باندهای مافیایی قدرت تحت حمایت عناصر شناخته شده، دانسته بود، علی تاجرنا، نماینده مشهد در مجلس، خواستار ریشه یابی حوادث اخیر از سوی مجلس شورای اسلامی گردید.

در همین حال، عیسی موسوی نژاد، نماینده خرم آباد در مجلس، در اطلاعیه بی، ضمن انشا نویسی های رایج، با محکوم کردن حوادث خرم آباد، از مردم خواست که از هرگونه تظاهرات و عکس العمل نسنجیده، خودداری کنند. او گفت که، سیاست خاتمی و دولت، سیاست تنش زدایی است. عباس عبدی، با اشاره به اینکه آنها می کوشند با وجود فشارهای وارده به دانشجویان و مطبوعات، آرامش را به هر قیمت ممکن حفظ کنند، گفت که، منتها اگر این نوع رفتارها ادامه پیدا کند، کنترل اجتماعی از دست قوی ترین رهبران جناح دوم خرداد و از جمله خاتمی هم خارج می شود. تکفلی نماینده دیگر مشهد در مجلس، گفت که، اگر برای یک بار هم شده جریان پنهانی و مخرب لباس شخصی ها بر ملا می شد، امروز چنین وقایعی را شاهد نبودیم. مصطفی معین، وزیر علوم، در جواب سوال خبرگزاری ایرنا مبنی بر اینکه سال جدید آموزشی سال پر تنشی در دانشگاه ها خواهد بود گفت که، او تحلیل برخی از عناصر سیاسی و یا دانشجویی را یک تحلیل عمومی در سطح تشکل های دانشجویی ارزیابی نمی کند و این دیدگاه اکثریت یا توده دانشجویان نیست که آرامش فعال را کنار بگذارند. اعضای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در یک کنفرانس خبری اعلام کردند

□ نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت □

که، جنبش دانشجویی سیاست «آرامش فعال» را هرگز کنار نخواهد گذاشت. آنها گفتند که، دوری از آشوب طلبی، ادامه آرامش فعال است و آنان حتی تعرض ها و تهاجم های مسلحانه خشونت طلبان را نیز با لحن پاسخ خواهند داد. اعضای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در این کنفرانس خبری اعلام داشتند که، حداقل ۱۰۰ نفر از دانشجویان در این زدو خوردها مجروح گردیدند. مهدی طباطبایی، در این کنفرانس اظهار داشت که، شنیده های آنها حاکی از آن است که مسئله کاملاً از قبل طراحی شده بود. فاطمه حقیقت جو، در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به این مطلب که، چنین حوادثی زمینه فروپاشی را فراهم خواهد کرد، با هشدار به مرتجعان، خاتمی را آخرین برگ برنده «نظام» دانست. تعدادی دیگر از دانشجویان در گفت و گو با ایسنا با تشریح حملات ددمنشانه اوباش حزب الهی به اتوبوس های حامل دانشجویان به افشای اقدامات جنایت کارانه ذوب شدگان در ولایت پرداختند و ضمن آن خواستار حفظ آرامش گردیدند. حمید چوبینه عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه تهران در گفت و گو با ایسنا گفت که، متأسفانه عده بی در شهر خرم آباد قصد سوء استفاده از این قضایا را دارند ولی از مردم خواست آرامش را حفظ کنند.

مرتجعان حاکم و روزنامه های وابسته به آنها با حالتی طلب کارانه خواستار مجازات عاملین حادثه خرم آباد گردیدند. از دیدگاه آنها عاملین این حوادث مردم آگاه و انقلابی، روشنفکران و دانشجویان انقلابی هستند. «کیهان» چهارشنبه ۹ شهریور، در سرمقاله خود با اشاره به کدیور و سروش و دعوت از آنها به سخنرانی در نشست دفتر تحکیم وحدت، با مجرم خواندن آنها و دشمنی آنها با ارکان «نظام»، خطاب به دولت می نویسد: «حقیقتاً موضع دولت محترم در قبال دیدگاه ها و اقدامات آشکار و نهان افرادی همچون آقایان کدیور و سروش پیرامون حکومت دینی چیست؟ موضع آقای رئیس جمهور به عنوان فردی که خود را ملزم به دفاع از قانون اساسی و حکومت می داند، چیست؟ در بررسی حوادث اخیر خرم آباد که به شهادت یک عضو نیروی انتظامی و مجروح شدن تعداد دیگری از آنها و مردم منجر شد، قانون شکنان خود را در پناه حمایت بخشی از حکومت و مشخصاً دولت دیده اند.» عسگر اولادی، دبیر کل منصور جمعیت موقوفه اسلامی، نیز در این باره گفت: «در این ماجرا، گزارش هایی تصریح دارند، که برخی مقام های دولتی استان در این آشوب ها و درگیری ها، متهم شده اند. در صورتی که رسیدگی سریع به ویژه از طرف رئیس قوه مجریه در این مورد به عمل نیامد، موجب تجری قانون شکنان خواهد شد.» آن چیزی که در هفته گذشته اتفاق افتاد، نه چیزی غیر قابل پیش بینی بود و نه اتفاق چندان غریب در رژیم ولایت فقیه. ماحصل آن چیزی که از فحواي گفت و گوهای اصلاح طلبان درون حکومتی می شود استنباط کرد این است که، جنبش باید همچنان سیاست «آرامش فعال» را ادامه دهد. آن نکته بی که در مرحله کنونی باید بیشتر روی آن صحبت شود این است که به چه دلایلی بعد از آن همه حضور پرشکوه مردم در صحنه های مختلف بخصوص صحنه های انتخابات و شرکت گسترده میلیون ها نفر از هم میهنان در آنها، خالقان چنین حماسه هایی باید این چنین

در موضع تدافعی قرار بگیرند. اگر ارزیابی اصلاح طلبان درون حکومتی را واقع بینانه قلمداد کنیم، تنها نتیجه بی که از آن می توان گرفت این است که سیاست های مماشات طلبانه آنها، ماحصل چنین وضعیتی است. امروز بدون اینکه جنبش مردمی، بخصوص بخش دانشجویی آن را بخواهیم و ادار به ماجراجویی غیر واقع بینانه بکنیم، در تشریح وضعیت کنونی باید گفت هر چند اوضاع خوشایند نیروهای آزادی خواه نیست، اما باید گفت که وضعیت هنوز هم به صورت کمال مطلوب برای مرتجعان در نیامده است. کلیدی ترین موضوع برای جنبش مردمی آن است که با تداوم همین وضعیت نه کاملاً رضایت بخش، به سازمان دهی خود همت گمارد.

اجلاس مجلس «خبرگان» و ضرورت هوشیاری جنبش

هفته گذشته خبر تشکیل مجلس «خبرگان» و تصمیمات اتخاذ شده در آن، که از زبان شخصیت های مختلف بیان گردید، نیز از اهمیت بالایی برخوردار بود. ایرنا، ۶ شهریور، از قول علی مشکینی خبر داد که، در راس حملات دشمنان «نظام»، ولایت فقیه قرار گرفته است، زیرا ولایت فقیه ستون خیمه نظام و استقلال کشور است. مشکینی همچنین اظهار داشت که، هر کس به انقلاب و استقلال کشور علاقه مند است، باید فارغ از گروه ها و جناح بندی ها از ولایت فقیه دفاع کند. او ضمن قدردانی از دولت خاتمی اظهار داشت که، اما از همه اعضای دولت راضی نیست. روزنامه «کیهان»، سه شنبه ۸ شهریور، طی گزارشی از دومین روز نشست مجلس «خبرگان»، نوشت که، تعدادی از نمایندگان، طی سخنانی، با اشاره به تهاجم گسترده و بی سابقه تبلیغاتی و رسانه ای دشمنان نظام اسلامی و عوامل داخلی آنان به باورهای دینی و ارزش های اسلامی جامعه بویژه ولایت فقیه، از آثار زیان بار تلاش های هماهنگی که برای انحراف افکار عمومی جامعه مومن و مسلمان بویژه جوانان کشورمان صورت می گیرد، اظهار نگرانی کردند.

ابراهیم امینی، نایب رئیس مجلس خبرگان، در پایان اجلاس «خبرگان»، مسائل عمده مطرح شده در این جلسات را اظهار نگرانی نسبت به توطئه دشمنان نظام عنوان کرد، که بیش از همه، اصل اسلامیت نظام و ولایت فقیه را که رکن اساسی جمهوری اسلامی است، مورد حمله شدید قرار داده اند. وی تنازعات جناحی را از دیگر مواردی ذکر کرد که مود

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران در هفته ای ...

ادامه بزرگترین قرار داد نفت و گاز ...

بحث قرار گرفته بود. هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه این هفته تهران در تشریح این اجلاس، گفت که، حدود سی سخنرانی بود که چون آنجا فضایش محرمانه است و بنابراین نیست که اخبار آن منتشر شود و بنای انتشار هم نیست که آثار تحریک کننده داشته باشد لذا افراد به خودشان حق می دهند صریح حرف بزنند. وی سپس در ادامه، مهم ترین موضوع مورد بحث اجلاس را مسئله ولایت فقیه عنوان کرد و در این باره گفت: «در آنجا یک بحث بسیار اساسی بود که شاید در اکثر سخنرانی ها بود که همه با تمام وجوشان احساس کردند که دشمن با همین تعبیری که در خطبه گفتم وارد میدان شده که اسلامیت نظام ما را از بین ببرد. از این جهت مهم ترین هدفشان این است که حاکمیت اسلامی نباشد و چیزی به نام ولایت فقیه محور حرکت نباشد. خبرگان عمدتاً روی این مسئله تکیه کرده بودند و نگرانی شان از این جهت بود که اولاد دشمن دیگر به صراحت رسیده و لابد امید هایی پیدا کرده که به صراحت رسیده و ثانیاً افراد نادانی، یا دانا و مغرضی در داخل کشور با دشمن هم صدا است و تعامل بین اینهاست.

مجموعه شواهد و قرائنی که خبرگان را واقعاً نگران کرده بود این است که ما در شرایطی قرار گرفته ایم که دیگر با تعارف و با مجامله نمی شود مسائل کشور را اینجوری بگذاریم جریان داشته باشد و باید هماهنگ و متحد باشیم و کار کنیم برای اینکه استکبار را مثل سال های اول انقلاب مایوس و آنها را خاموش کنیم، و این صدای بوق و کرنایی که اینها راه انداخته اند را خفه کنیم.» روزنامه «رسالت»، در سرمقاله روز یکشنبه ۱۳ شهریور خود که اختصاص به اجلاس مجلس «خبرگان» دارد، ضمن اشاره به صحبت های ابراهیم امینی و رفسنجانی، به دیدار «خبرگان» با خاتمی می پردازد، که در آن با نقل سخنان مشکینی که خطاب به رئیس جمهوری گفته است که، امروز اسلام در خطر است اگر غفلت کنید اسلام زدایی می کنند، در تفسیر عکس العمل خاتمی در این باره می نویسد: «از خبری که از رئیس جمهور در صدا و سیما و نیز مطبوعات از این دیدار منتشر شد، نشانی از انتقال این ادراکات به دستگاه قوه مجریه یافت نمی شود.»

مجموعه سخنان گفته شده در طول هفته گذشته و همین چند روز اخیر حاکی از آن است که، برغم توقیف مطبوعات، دستگیری روزنامه نگاران و دگراندیشان، زیر ضرب قراردادن دانشجویان و دیگر اقدامات سرکوب گرانه، هنوز مرحله مورد دلخواه مرتجعان را به همراه نداشته است. ذوب شدگان در ولایت، با احساس خطر جدی پی که اساس «نظام» پوسیده شان را نشانه رفته است، هراسناک از این واقعیت که، ادامه همین وضعیت نتایج زیان بار را برای آنها در پی خواهد داشت، تدارک سرکوب قطعی جنبش را در اولویت اول خود قرار داده اند. اعتراف به این مسئله که، در راس حملات دشمنان نظام، ولایت فقیه قرار گرفته است، به خوبی حساسیت اوضاع را از نظر آنها نشان می دهد. با وجود وضعیت بسیار مشکلی که جنبش با آن روبه رو است، رسیدن جنبش مردمی تا این مرحله، خود می تواند دستاورد بزرگی باشد. ضعف های جدی همچون عدم سازمان دهی توده ای و یک رهبری قاطع، مانع از آن گردیده است که جنبش را از خطر مصون بماند، منتها تجربه سه سال و نیم گذشته نشان داده است که هوشیاری توده ها، تاکنون مانع از آن بوده است که مرتجعان به اهداف خود برسند. مهم ترین خطری که جنبش را مورد تهدید قرار می دهد آن است که تاکنون هیچ گونه اقدام عملی بی جهت جلوگیری از برنامه های سرکوب گرانه انجام نگرفته است.

پایین ترین نرخ بازگشت سرمایه است.»
دومین نکته پر اهمیت عبارت است از این واقعیت که، شرکت ایتالیایی «انی»، در قبال دریافت اصل و سود فراوان از اجرای این پروژه، حاضر نشده است. برای ادامه بهره برداری اصولی بر پایه فن آوری نوین پس از پایان زمان قرارداد، تضمینی بدهد. در عین حال این شرکت نفتی حاضر به قبول انتقال فن آوری و آموزش متخصص نشده است. روزنامه «بهار» در شماره ۸ مرداد ماه خود می نویسد: «زنگنه (وزیر نفت خاتمی) در مورد وجود تضمینی برای ادامه بهره برداری بهینه از حوزه های پارس جنوبی پس از پایان زمان قرارداد توضیح مشخصی نداد و فقط گفت، اگر ما از شرکت های خارجی بخواهیم تا پایان زمان بهره برداری از یک حوزه گازی بر آن نظارت کنند دیگر نمی توانیم از قرارداد بیع متقابل استفاده کنیم.»

از دیگر نکات بسیار منفی قرارداد مذکور این است که، ارقام باز پرداخت آن بیش از ۲ برابر هزینه های سرمایه گذاری خواهد بود. مضمون و نوع قرارداد با «انی» ایتالیا به مانند قرارداد با توتال فرانسه، و شاید به مراتب بدتر از آن، حق اعمال حاکمیت ایران در میزان تولید، برداشت، صدور و تولید را پایمال می کند، و از این جهت، در مغایرت کامل با اصل ملی شدن صنعت نفت ایران قرار دارد. در قرارداد ۴ میلیارد دلاری با «انی» ایتالیا، که با استدلال جلب و جذب سرمایه خارجی صورت می گیرد، به طور آشکار حقوق و حاکمیت ملی ایران نقض می شود. روزنامه «اطلاعات»، در تاریخ ۲۴ تیرماه ۷۹، در گزارشی تحت عنوان «سرمایه گذاری های جدید آلمان و ایتالیا در ایران» می نویسد: «دیدار خاتمی از ایتالیا، فرانسه و آلمان به تدریج پیامدهای اقتصادی خود را نشان می دهد. یک شرکت مهندسی آلمانی اعلام کرد که برنده مناقصه ۳۳۳ میلیون دلاری احداث بزرگ ترین طرح «اولفین» در ایران شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه شرکت «لیند» آلمان اعلام کرد در منطقه ویژه اقتصادی بندر شاپور (استان خوزستان) این طرح اجرا می شود و قرار است تا سال ۲۰۰۳ میلادی راه اندازی شود.» در همین گزارش، خبر مذاکره با شرکت نفتی «انی» ایتالیا نیز درج شده و در آن ابراز امیدواری شده بود، که قراردادی برای اجرای فازهای ۴ و ۵ حوزه عظیم پارس جنوبی انعقاد شود. در این میان انگلستان نیز چون دیگر شرکای اروپایی رژیم ولایت فقیه سخت فعال است. روزنامه ها در تاریخ ۵ خرداد ماه ۷۹ گزارش دادند، در چارچوب یک توافق، گروه صنعتی «بالی» انگلستان، یک واحد پتروشیمی در ایران احداث می کند. هفته نامه «مید» چاپ لندن نیز در گزارشی در اوایل تیر ماه سال جاری اعلام داشت، که شرکت نفتی «بریتیش پترولیوم-اموکو»، به زودی وارد مناقصه حوزه نفتی بنگستان ایران خواهد شد. حوزه بنگستان سه میدان نفتی عظیم و غنی به نام آب تیمور، اهواز و منصوری را در بر می گیرد، که برای افزایش میزان بهره برداری از آن، به ۳ میلیارد دلار سرمایه نیاز است. رژیم برای جلب این سرمایه گذاری هنگفت، امتیازات بزرگی را برای انگلیسی ها در نظر گرفته است.

کوتاه سخن: حراج ثروت ملی و عقد قراردادهای مغایر با منافع ملی ایران با شرکت ها و انحصارهای فراملی، به نام جلب و جذب سرمایه خارجی، آنها از موضعی چنین ضعیف و حقارت آمیز، به هیچ وجه قابل قبول نیست. میهن ما از این امکان برخوردار است که، با حفظ منافع خود، به طریقی معقول، منطقی و واقع بینانه، سرمایه خارجی را جذب کند، و در کنار آن، به عنوان یک عامل بسیار حیاتی، فن آوری مدرن را نیز به دست آورد. علت عقد قراردادهای ضد ملی را باید در ماهیت رژیم ولایت فقیه و سمت گیری اقتصادی و اجتماعی آن جستجو کرد!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه زنان کارگر مصمم در میدان ...

همانگی در پرداخت دستمزدها اعتراض کرد.» لازم به تذکر است که، سخنان این زن زحمتکش با تایید و تشویق، کف زدن پر شور صدها کارگر مرد و زن حاضر در جلسه روبه رو شد. به علاوه، روزنامه کار و کارگر در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه، با انتشار خبر تحسن پرسنل بیمارستان آسیا، تاکید می کند که، زنان شاغل از سازمان دهندگان این تحسن بودند.

طی چند ماه اخیر، نقش زنان کارگر در اعتصابات کارگری استان گیلان بسیار چشم گیر و قابل ملاحظه بوده است. زنان کارگر در کارخانجات کفش گنجه، ترنج طلایی، گیلان پاکت، جوراب گیلان و غیره در صف مقدم اعتراضات قرار داشتند و در پاره بی از حرکات اعتراضی، به سخنرانی پرداخته و نماینده کارگران محسوب می شدند. در استان گیلان ۲۳ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می دهند. حضور خستگی ناپذیر زنان و نقش مثبت و حیاتی آنان در جنبش کارگری - سندیکایی، مسئولین رژیم ولایت فقیه و ارگان های آن را واداشته است تا، تدابیری برای مهار مبارزات زنان کارگر بیندیشند. از جمله، سمینارها و جلسات متعددی با عنوان «زنان کارگر»، طی ماه های گذشته، در گوشه و کنار کشور برگزار گردیده است. همچنین همایش یک روزه «زن و اشتغال»، که در محل اداره کل کار استان سمنان، با سخنان معاون امنیتی - سیاسی استانداری، در تاریخ ۱۸ خرداد ماه سال جاری برگزار شد، از این جمله است.

در جریان این همایش یک روزه، مدیر کل خدمات اشتغال زنان وزارت کار و امور اجتماعی، طی مصاحبه بی مطبوعاتی، آماری را ارائه داد، که شایان توجه جدی و دقیق است. وی یادآور شد: «بیش از ۱۴ میلیون نفر در کشور شاغل هستند که، از این تعداد ۱ میلیون و ۷۶۴ هزار نفر آنان را زنان تشکیل می دهند. این تعداد زنان شاغل فقط ۱۲ درصد از جمعیت زنان کشور می باشد.»

وی در جای دیگری از مصاحبه خود، اظهار داشت: «در کشور ما سالانه ۷۲۱ هزار نفر وارد بازار کار می شوند که، سهم زنان از این تعداد ۱۵۲ هزار نفر است. نرخ بیکاری زنان در کشور ۱۳/۴ درصد است. بیشتر زنان کشور در بخش های خدمات اشتغال دارند، زیرا مهارت های لازم را ندارند.»

از سوی دیگر، بر پایه گزارش رسمی سازمان بهزیستی کشور، یک میلیون و ۳۷ هزار خانواده در کشور وجود دارند، که سرپرست آنها زن است، یک دوازدهم خانواده های کشور تحت تکفل زنانند.

مقایسه این دو آمار نشان میدهد که، زنان زحمتکش، به ویژه آن دسته از زنانی که بار تکفل خانواده را بر دوش دارند، در چه وضعیت ناگوار و غیر انسانی بسر می برند و با چه مشکلات حاد و توان فرسایی روبه رو یند. باید در این زمینه یادآوری کرد که، میزان دستمزد این زنان کارگر و زحمتکش بر مراتب پایین تر از همکاران مرد آنهاست.

به گزارش روزنامه کار و کارگر، به تاریخ ۱۸ اسفند ماه سال گذشته، بیش از ۵۰ درصد کارگران، برای رفع نیازهای خود و خانواده هایشان، دو یا چند شغل دارند. درصد زنان کارگر که، دو یا چند شغل دارند تقریباً صفر است، به این دلیل ساده که بار نگهداری از فرزندان مستقیماً بر دوش آنهاست. زنان کارگر، حتی از این امکان نیز محرومند. زنان کارگر، به عنوان جزء جدایی ناپذیر جنبش کارگری، علاوه بر آنکه خواست های مشترک صنفی - رفاهی با دیگران دارند، خواست های مشخص و ویژه ای نیز دارند. خواست هایی که علاوه بر خود آنها، مجموعه جنبش کارگری نیز آنها را مد نظر قرار داده و در برنامه خود گنجانده است.

در اردیبهشت ماه امسال، چند روز پیش از برگزاری روز جهانی کارگر، مراسمی تحت عنوان «روز حمایت از کارگران زن» برگزار گردید. طی این مراسم، زنان کارگر برخی از خواست های خود را مستقیم

و غیر مستقیم بیان کردند و خواستار تحقق آنها شدند. خانه کارگر، برای آنکه بتواند نظر موافق این دسته از زحمتکشان میهن مان را به خود جلب کند دست به مانور زد و طی بیانیه بی اعلام داشت: «اگر به محیط های کاری سری بکشیم، خواهیم دید که، بسیاری از زنان از زمان فراغت لازم در جهت شیر دادن به فرزندان خود محروم می باشند، همچنین در برخی از محیط های کاری نیز از همکاری لازم جهت برقراری یک مهد کودک ساده دریغ شده است.» البته خانه کارگر اشاره نمی کند که، این وضعیت ناهنجار و تاسف بار نتیجه کدام سیاست ها و برنامه هاست! اوضاع ناگوار زندگی و کار هزاران زن کارگر میهن ما، نتیجه مستقیم سیاست های ارتجاعی رژیم ولایت فقیه، هم در عرصه اقتصادی - اجتماعی و هم در عرصه فرهنگی است.

بنا به گزارشات رسمی و معتبر، در اغلب کارخانه ها و واحدهای تولیدی و خدماتی، که در آنها زنان کارگر درصد قابل ملاحظه ای را شامل می شوند، از مهد کودک، کودکستان و دیگر امکانات شناخته شده و مصرح در حقوق سندیکایی، نشانی وجود ندارد.

طی چند سال اخیر، کارفرمایان و سرمایه داران، با حمایت مستقیم ارگان های مختلف حکومتی، امکاناتی نظیر، ساعات شیر دهی، مرخصی زایمان و غیره را به کلی نادیده گرفته اند و از برنامه واحدهای تولیدی حذف کرده اند. زنان کارگر هنگام بارداری و زایمان، با مشکلات بزرگی روبه رو می شوند و در صد بزرگی از آنها شغل خود را از دست می دهند.

آمار نشان می دهد که، درصد قابل توجهی از زنان کارگر که، ازدواج کرده و صاحب فرزند می شوند توسط کارفرمایان اخراج و با اجبارا باز خرید می شوند، زیرا به گفته گستاخانه یک مدیر عامل بخش خصوصی «اینان کارگران پرهزینه اند.»

وضعیت در این زمینه چنان وخیم است که، حتی مطبوعات تحت کنترل رژیم به آن اعتراف می کنند. روزنامه کار و کارگر، در مطلبی در تاریخ ۲۱ خرداد ماه، در این خصوص یادآور شد: «مادری که، تا دیروز فعالانه در محل کار خود خدمت می کرد (با زایمان و صاحب فرزند شدن) که، در وضع حمل صاحب یک یا چند نوزاد می گردد، مورد بی مهری و قهر واقع شده تا مجبور به استعفا از محیط کار خود گردد، آن هم در شرایطی که از لحاظ مادی نیازش چند برابر شده است.»

یکی از مشکلات بزرگ و در عین حال خواست های اصلی زنان کارگر، دریافت دستمزد مساوی برابر کار مساوی است. کارفرمایان با توسل به قوانین ارتجاعی حاکم در جمهوری اسلامی، زنان را «کمتر» و «پایین تر» از مردان به شمار می آورند، و در پرداخت دستمزد، آشکارا حق طبیعی زنان زحمتکش را پایمال می کنند. هیچ نهاد و ارگان صنفی بی نیز مدافع حقوق زنان در این خصوص نیست. خانه کارگر، و شوراهای اسلامی کار نیز، بنا به معتقدات ارتجاعی خود، در این باره در کنار دولت و کارفرمایان قرار دارند. دولت جمهوری اسلامی نیز، هنگام به اصطلاح سهیم کردن کارگران و تقسیم سهام، سهم زنان را کمتر از مردان در نظر می گیرد.

آمار نشان می دهد که، زنان کارگر، اکثراً در زمان بازنشستگی با حداقل حقوق بازنشسته می شوند. در قوانین جمهوری اسلامی در زمینه تامین اجتماعی، تبعیض آشکاری در حق زنان روا شده و، حقوق بازنشستگی و مستمری زنان با مردان متفاوت است.

یکی از مهم ترین عرصه های مبارزه جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما، خواست یکسان سازی مزایای قانونی تامین اجتماعی برای مردان و زنان است. در عین حال، باید مجموعه قوانینی تدوین و اجرا کرد که، به میزانی که زنان در تولید ناخالص ملی نقش دارند، از حمایت های جدی برخوردار شوند.

تامین امنیت شغلی برای زنان کارگر یک اولویت مهم مبارزاتی است. زنان کارگر نخستین قربانیان سیاست هایی نظیر «تعدیل اقتصادی»، «تامین امنیت سرمایه خارجی»، «خصوصی سازی» بوده اند و هستند. در جریان مراسم اول ماه مه امسال، گروهی از زنان کارگر استان همدان، بیانیه بی را

ادامه زنان کارگر مصمم ...

منتشر ساختند که در بخشی از آن قید شده بود: «شواهد نشان می دهد که زنان کارگر در حوزه اشتغال با محدودیت ها و مسایلی مضاعفی روبرو هستند و کار آنها اغلب نادیده گرفته می شود و در شرایط بحرانی زنان اولین کسانی هستند که اخراج می شوند.» در همین بیانیه خطاب به مجلس پنجم، که نمایندگان مرتجع آن قانون ضد کارگری معافیت کارگاه های کوچک از شمول قانون کار را تصویب کردند، اخطار شده بود: «مجلسیان به جای تهیه و ارائه چنین طرح های غیر منطقی و غیر کارشناسانه، اندکی به فکر سفره نان کارگران محروم و زحمتکش باشند.»

بر اساس اظهارات رسمی مقامات وزارت کار و امور اجتماعی، با اجرای قانون معافیت کارگاه های پنج نفره و کمتر از شمول قانون کار، درصد بزرگی از زنان کارگر به صف بیکاران رانده خواهند شد، و گروهی دیگر از زنان کارگر که شغل خود را حفظ خواهند کرد، اسیر چنگال کارفرمایان و سرمایه داران آزمنده و زانو صفت گردند و فاقد کمترین حق قانونی خواهند بود. روزنامه کار و کارگر، در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه، در این خصوص یادآور شد: «نبروی کار زن کماکان مورد استعمار است، بیشتر کودکان که زیر سن قانونی کار مشغول می باشند، کودکان دختر بوده و برآوردها نشان می دهد ۵۵ درصد آنان مورد استثمار قرار می گیرند.»

قانون ضد کارگری معافیت کارگاه های پنج نفر از شمول قانون کار، امنیت شغلی زنان را پایمال کرده است و وضعیت زندگی آنان را وخیم تر می سازد.

کوتاه سخن: مبارزه پیگیر و شایان تحسین زنان کارگر، دوشادوش مردان، و نقش و حضور موثر و فعال آنان در جنبش کارگری-سندیکایی، طی ماه های اخیر، فوق العاده با اهمیت قلمداد می گردد. حقوق و خواست های ویژه زنان کارگر در پیوند سرشتی با خواست های بنیادین همه کارگران و زحمتکشان میهن قرار دارد. از این رو، جنبش کارگری-سندیکایی، علاوه بر خواست های مشترک، در راه تامین حقوق صنفی زنان کارگر، مانند دستمزد مساوی برابر کار مساوی، مرخصی زایمان، یکسان سازی مزایای قانون تامین اجتماعی، تاسیس شیرخوارگاه و مهد کودک برای زنان کارگر، تعیین ساعات مناسب و کافی برای تغذیه کودکان زنان کارگر، در ساعات کار و غیره مبارزه می کند. زنان کارگر پیشاپیش دیگر زنان طبقات زحمتکش و محروم جامعه ما، پیشتاز مبارزه برای برابری حقوق زنان با مردان و نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه اند.

بزرگ ترین قرارداد نفت و گاز پس از انقلاب، و منافع میهن ما

در اوایل مرداد ماه سال جاری، بزرگ ترین قرارداد نفت و گاز ایران پس از انقلاب بهمن، با یک طرف خارجی به امضاء رسید. نخست، رسانه های همگانی در ایتالیا و اروپا خبر از انعقاد قراردادی به ارزش نزدیک به ۴ میلیارد دلار میان جمهوری اسلامی و شرکت نفت و گاز طبیعی ایتالیا- «انی»- را منتشر ساختند و پس از آن، به فاصله کوتاهی، مطبوعات رژیم، این خبر را انتشار دادند.

بر پایه این قرارداد، شرکت ایتالیایی، «انی»، مراحل چهارم و پنج توسعه میدان عظیم گاز پارس جنوبی را، واقع در آب های خلیج فارس بر عهده گرفته است. قرارداد مذکور از نوع بیع متقابل (بای بک) است، و به صورت مشارکت ۴۰ درصدی شرکت «پتروپارس ایران» و ۶۰ درصدی «انی» ایتالیا اجرا خواهد شد. زمان پیش بینی شده برای این پروژه ۵ سال است، و مجری طرح از زمان بهره برداری، به مدت ۷ سال بخشی از تولیدات این میدان را به عنوان اصل و سود سرمایه دریافت خواهد کرد.

میدان گاز پارس جنوبی، یکی از بزرگ ترین و غنی ترین میدان های گازی کشف شده جهان محسوب می گردد، که در ۱۰۰ کیلومتری ساحل جنوبی ایران، در آب های خلیج فارس قرار دارد و میدانی است مشترک میان ایران و شیخ نشین قطر. ذخایر گازی حوزه پارس جنوبی حدود بیش از ۱۰ تریلیون متر مکعب (معادل بیش از ۶۰ میلیارد بشکه نفت خام) تخمین زده شده است، و برابر است با شش درصد ذخایر گازی شناخته شده جهان و ۴۰ درصد ذخایر کشف شده ایران.

با اجرای مراحل چهارم و پنجم پروژه توسعه میدان گازی پارس جنوبی، که قرارداد آن با «انی» ایتالیا به امضاء رسیده است، می باید روزانه ۵۰ میلیون متر مکعب گاز پالایش شده، ۸۰ هزار بشکه مایعات گازی، یک میلیون تن گاز اتان و ۴۰۰ تن گوگرد در سال، برای مجتمع های پتروشیمی تولید شود. عقد قرارداد با شرکت ایتالیایی «انی» به ارزش نزدیک به ۴ میلیارد دلار، از سوی جمهوری اسلامی یک پیروزی تلقی شد و پیرامون آن تبلیغات بسیاری به راه افتاد. مقامات رسمی رژیم ولایت فقیه، امضاء قرارداد مذکور را آغاز یک سلسله اقدامات مشابه قلمداد کرده اند. بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت دولت خاتمی در مراسم امضاء قرارداد با «انی» ایتالیا، به عنوان میهنان و ناظر شرکت کرده بود. وی در سخنانی، از جمله یادآور شد: «این قرارداد فصل تازه ای را در روابط ما با یک شرکت مهم غربی و همچنین راه را برای انعقاد قراردادهای جدید نفتی و گازی با ایران باز می کند» (اطلاعات بین المللی، ۱۰ مرداد ۷۹).

در باره این قرارداد بسیار مهم، نکاتی چند قابل تأمل و نیز شایان توجه و دقت ویژه است. نخست آنکه، در این قرارداد، برخلاف تبلیغات بی پشتوانه رژیم ولایت فقیه، شرکت ملی نفت ایران طرف قرارداد با شرکت نفتی «انی» ایتالیا نیست، بلکه یک شرکت کوچک خصوصی به ظاهر فعال ایرانی، به نام «پتروپارس»، امضاء کننده این قرارداد است. روزنامه «اطلاعات» در تاریخ ۱۰ مرداد ماه خود، در گزارشی از مراسم عقد قرارداد، از جمله چنین نوشته است: «قرارداد اجرای مراحل چهارم و پنجم توسعه میدان گازی پارس جنوبی، پنجشنبه در حضور بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران، میان «ویکتور مینکاتو»، مدیر کل شرکت ایتالیایی «انی» و اکبر ترکان، نایب رئیس شرکت پتروپارس امضاء شد. مدیر عامل شرکت «انی» (در این مراسم) گفت از امضای این قرارداد مهم احساس غرور می کند.»

متن گزارش روزنامه «اطلاعات» کاملاً گویا و بدون ابهام است. یک شرکت کوچک خصوصی ایرانی، مهم ترین و بزرگ ترین قرارداد نفتی و گازی پس از انقلاب را با یک شرکت بزرگ اروپایی، بر سر توسعه مهم ترین و غنی ترین میدان کشف شده گازی ایران امضاء کرده است. حزب ما، به موقع خود، نسبت به توطئه خصوصی سازی در صنایع کلیدی نفت و گاز هشدار داده بود. از جمله در نامه مردم شماره ۵۶۴ به تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۷۸، ما سیاست خصوصی صنایع نفت و گاز را افشاء کردیم و متذکر شدیم: «آنچنان که پیداست، سران رژیم ولایت فقیه، به منظور جلب و جذب سرمایه خارجی و تامین امنیت سرمایه، سیاست خصوصی سازی صنایع نفت و گاز را که ثروت مردم میهن ما و اصلی ترین منبع درآمد ارزی کشور محسوب می گردد، تهیه دیده و در صدد اجرای آنند. طرح تجدید سازمان دهی صنعت نفت و گاز بخشی از این سیاست دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است. بر پایه این طرح، شرکت ملی نفت ایران، به شرکت های کوچکی تقسیم می شود، چنین شرکت هایی که البته نیز خصوصی اند، طرف اصلی مناقصه با وزارت نفت قرار می گیرند و پس از موفقیت در به اصطلاح مناقصه، به عنوان پیمانکار دست اول، با انحصارات نفتی فراملی و شرکت های خارجی وارد گفتگو شده، و با اخذ رشوه، پروژه های خود را با قیمت بسیار نازل و صد در صد مغایر با حقوق مردم و منافع ملی ایران به خارجیان، واگذار می کنند، و به این ترتیب به نام جلب و جذب سرمایه خارجی و تزریق ارز، صنایع نفت و گاز، ثروت ملی، را به باد می دهند.»

قرارداد توسعه فازهای چهارم و پنجم توسعه میدان گازی پارس جنوبی با شرکت ایتالیایی «انی»، دقیقاً بر چنین مبنایی صورت پذیرفته است. بی جهت نیست که، هیچ یک از مطبوعات جمهوری اسلامی نتوانسته اند گزارشی از مفاد و مضمون این قرارداد انتشار دهند. تنها روزنامه «بهار»، در تاریخ ۸ مرداد ماه، به نقل از وزیر نفت دولت خاتمی، یادآور شد: «این قرارداد نسبت به قراردادهای مشابه، دارای

ادامه هشدار باش، خطر یورش ارتجاع ...

چگونگی برخورد با جنبش و راه های سد و سرکوب آن گرفته شده است. در روزهای اخیر ما همچنان شاهد یک توطئه خطرناک تبلیغاتی تهمت و افترا، از سوی کیهان و سایر رسانه های وابسته به ارتجاع بوده ایم، مبنی بر اینکه، جنبش دانشجویی و مردمی برای «مبارزه مسلحانه با نظام» تدارک می بینند. از این تهمت بوی توطئه دهشتناکی، همچون به آتش کشیدن رایشناک توسط نازی ها و متهم کردن کمونیست ها به آن، می آید.

از مجموعه این گزارش های آشکار می شود که، بار دیگر ایران لحن حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. جنبش مردمی نمی تواند، به خطرات و توطئه هایی که ارتجاع بر ضد آن تدارک دیده است بی اعتنا و بی توجه باشد. ارتجاع و استبداد حاکم به دنبال آن هستند که با دسیسه چینی و جو تحریک آمیز، زمینه را برای تهاجم وسیع نظامی و خونریزی، به منظور سرکوب قاطع جنبش، آماده سازند. برای مقابله با این توطئه آگاهی توده ای و آمادگی جنبش بیش از هر زمان دیگری ضروری است. باید با افشگری وسیع، توده های مردم را از توطئه مرتجعان حاکم، به رهبری «ولی فقیه» آگاه کرد. باید بیش از پیش تلاش کرد تا ضمن حفظ هوشیاری و ادامه پیگیری و قاطعانه مبارزه اجازه نداد ارتجاع اوضاعی را به وجود آورد که با پدید آمدن چند دستگی در صفوف جنبش ضربه زدن به آن تسهیل شود. سران جبهه دوم خرداد، در روزهای اخیر، جنبش دانشجویی و مردم را به آرامش در مقابل تحریکات ارتجاع دعوت کرده اند. مسئله این است که، اکنون سالهاست مردم آرامش خود را در مقابل استبداد خونریز و ظالم حفظ کرده اند و اگر حرکتی نیز صورت گرفته است، تنها حرکتی تدافعی در مقابل تهاجمات ارتجاع بوده است. امروز مسئله کلیدی این است که، تنها «حفظ آرامش» به خودی خود نمی تواند یک تاکتیک موثر در مقابل تهاجمات ارتجاع قلمداد شود. انبوه مردم زجر کشیده، میلیون ها جوان، دانشجوی، کارگر و زحمتکشان حق دارند بپرسند که گام بعدی برای پیش بردن روند اصلاحات در ایران چیست. تاکتیک های اتخاذ شده تاکنون چه میزان کارآ و موفق بوده است، و ضعف های جنبش را چگونه باید برطرف کرد. تجربه ماههای اخیر نشان داده است که مرتجعان حاکم از آنچه انتخاب «قانونی» برخوردارند که، می توانند با چرخش قلمی حتی مجلس نمایندگان منتخب مردم را بی اختیار کنند و یا با یک کودتای ضد مطبوعات بیش از ۲۰ نشریه جبهه اصلاح طلبان را به محاق تعطیل بکشاند. هدف ما از طرح این مسئله در اینجا دفاع از خنوت و مخالفت با پیش برد یک مبارزه مسالمت آمیز در راه تعمیق و گسترش اصلاحات نیست، بلکه روشن شدن این واقعیت است که دیگر حفظ «آرامش» نمی تواند یک تاکتیک موثر در قبال تهاجم گسترده و خطرناک ارتجاع باشد. حزب توده ایران مدتهاست بر این نظر یافشاری می کند که تنها با اتکاء به جنبش سازمان یافته توده هاست که می توان به آینده جنبش خوش بین بود. منظور از سازمان یافتگی جنبش، ایجاد آن چنان آمادگی در جنبش است که بتواند به صورت متحد و هماهنگ به مقابله سیاسی با توطئه های ارتجاع برخیزد. چنین آمادگی هنوز سازمان نیافته است و این ضعف چشم اسفندیار جنبش توده ای در اوضاع بسیار حساس کنونی است. به گمان ما، امروز وظیفه همه نیروهای مترقی و آزادی خواه این است که با افشگری وسیع سیاسی پیرامون ارتجاع حاکم و خصوصاً «ولایت فقیه»، به عنوان سد اساسی هر گونه تحول پایدار، بنیادین و دموکراتیک نیروهای اجتماعی را، کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان مبارز میهن ما را برای مقابله با تهاجمات احتمالی ارتجاع آماده سازند.

امروز آزادی عمل سرکوبگران جنبش را در مقابل واقعیتی جدی قرار داده است و آن اینکه، گسترش و تداوم این آزادی عمل می تواند برای مدتی غیر قابل پیش بینی مانع جدی در مقابل تحولات، هر چند محدود، در جامعه به وجود بیاورد. این درست همان فرصت طلایی لازم برای ایجاد تغییر توازن قوا بنفع نیروهای مخالف جنبش مردمی است. شیوه های مقابله فعال و ممکن، از قبیل سازماندهی اعتصاب های محلی، منطقه ای و اعتراضات جمعی گسترده می تواند از جمله راههای رویارویی با آزادی عمل سرکوبگران باشد.

ادامه کلمبیا ویتنامی دیگر برای ...

کشور را کنترل می کنند، در بخش هایی از بوگوتا، و به ویژه مناطق کارگرنشین و زاغه نشینهای جنوب پایتخت، حضور و قدرت عمل دارند. حداقل ۵ واحد عملیاتی (FARC) مرکب از ۲۰۰۰ چریک رزمنده آن، در بلندبهای مشرف به بوگوتا مستقرند. مایلس فرچت، سفیر سابق آمریکا در کلمبیا، در اظهاراتی به رویتر، عملاً با تصدیق این حقیقت، گفت: «کارتاهینا خیلی امن است. نظم عمومی در کلمبیا در حال وخیم شدن است. این واضح است که نیروهای امنیتی نمی خواهند که رئیس جمهوری آمریکا در محیطی قرار بگیرد که امکان خطر برای او وجود داشته باشد.»

در روزهای ۷ و ۸ شهریور ماه، زحمتکشان و نیروهای انقلابی کلمبیا، با سازمان دهی تظاهرات و گردهمایی های اعتراضی، و حمله به تاسیسات نظامی، ابعاد مخالفت خود با سیاست آمریکا و سفر بیل کلینتون به این کشور نشان دادند. هزاران کارگر و دانشجو در مقابل سفارت آمریکا در بوگوتا تظاهرات کردند و با پلیس و نیروهای انتظامی درگیر شدند. ویلسون بورخا یک رهبر اتحادیه های کارگری، گفت: «بازدید کلینتون به منظور حمایت مالی از ادامه کشتار در کلمبیا است و ما معتقدیم که مردم کلمبیا این امر را قبول نخواهند کرد.» در گردهمایی اعتراضی بر ضد مسافرت کلینتون، در دانشگاه ملی بوگوتا، دانشجویان با اعلامیه ها و پلاکاردهایی حاوی شعار «کلینتون به کشورت برگرد! ما با مداخله آمریکا در کلمبیا مخالفیم» اعتراض خود را به سیاست های امپریالیسم آمریکا به نمایش گذاشتند.

ویتنامی دیگر!

کمک آمریکا مشتمل است بر ۶۰ هلیکوپتر عقاب سیاه، دو هلیکوپتر توپدار هیوئی ۲، که مدل های ساده تر آن در مناطق جنگلهای ویتنام موجی از آتش و خون براه انداختند، و همچنین ۵۰۰ افسر و یژه برای تعلیم سه گردان ارتش کلمبیا. اضافه بر این، شواهد غیر قابل انکاری در دست است که، در سال های اخیر، ایالات متحده سلاحهای شیمیایی برای استفاده در مناطق جنگلی در اختیار ارتش کلمبیا گذاشته است. استفاده از این سلاحهای شیمیایی باعث ریزش برگ درختان و بنابراین از بین رفتن عامل استتار چریک ها در مناطق جنگلی خواهد شد. مردم کلمبیا این مواد شیمیایی را «عامل سبز» می خوانند. این کنایه بی است به استفاده نظامیان آمریکایی از مواد شیمیایی که تحت نام «عامل نارنجی»، در ویتنام، باعث مرگ و علیل شدن هزاران تن مردم بیگناه شد و هنوز هم پس از سال ها عواقب مخرب آن بر ضد محیط زیست ادامه دارد.

ونزوئلا، پرو، اکوادور و برزیل، همسایگان کلمبیا، از اینکه تشدید جنگ داخلی در این کشور می تواند درگیرهای را به مناطق مرزی آن کشورها بکشاند و موج عظیمی از پناهندگان کلمبیایی را باعث شود، ابراز نگرانی کردند. وزیر خارجه و ونزوئلا اخطار کرد که، به اجرا گذاردن طرح کلمبیا منجر به عزیمت اجباری توده های عظیم مردم و هجوم آنها به سوی ونزوئلا خواهد شد. او گفت: «ما نگران جنبه نظامی طرح کلمبیا هستیم. گرچه ما به تصمیمات کلمبیا احترام می گذاریم، ولی حق داریم که نگران باشیم.» بر رغم بازدید مادلین آلبرایت از برزیل، در آخرین روزهای مرداد ماه، برای جلب حمایت آن کشور، برزیل امکان هر گونه همکاری نظامی با ایالات متحده در کلمبیا را مردود شمرد. آلبرتو فو جیمورو، رئیس جمهوری پرو اخطار کرد که، امنیت منطقه به دلیل طرح کلمبیا در خطر است. او توضیح داد که این طرح در بردارنده یک بودجه یک میلیارد دلاری برای از بین بردن نیروهای وابسته به FARC است. حتی برخی محافل در ایالات متحده، از هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، نگرانی خود را نسبت به اینکه اقدامات دولت آمریکا به درگیر شدن مستقیم این کشور در جنگ داخلی خونین کلمبیا منجر بشود، پنهان نمی کنند.

کلینتون در اظهارات خود در کارتاهینا، مدعی شد که، کمک آمریکا به ایجاد «یک ویتنام دیگر» منجر نخواهد شد.

توماس پیلیرینگ، مسئول امور سیاسی وزارت خارجه آمریکا، نیز هر گونه نگرانی نسبت به مداخله آمریکا را بی مورد دانست، و مدعی شد که، صدها نظامی آمریکایی که به کلمبیا می روند، مشاورند و فقط برای «مقاصد آموزشی» مورد استفاده قرار خواهند گرفت. او گفت: «هیچ تشابهی با ویتنام وجود ندارد.» ولی گویا پیلیرینگ فراموش کرده است که

که می تواند بر بغرنجی اوضاع منطقه بیفزاید و بهانه درگیری های جدید شود.

آمریکا و سطح تولید نفت اوپک

بیل کلینتون، رئیس جمهوری آمریکا، در سفر رسمی خود به نیجریه، از رئیس جمهوری این کشور اولسگون او با سانجو، خواست که دیگر اعضای اوپک را تشویق کند تا به منظور پایین آوردن قیمت نفت میزان تولید خود را افزایش دهند. کلینتون گفت: «من از رئیس جمهوری خواستم که هر کاری می تواند در جهت تشویق دیگر کشورهای برای افزایش تولید» بکند تا اوپک بتواند اثری را که در اجلاس قبلی خود وعده آن را داده بود، داشته باشد. جالب این است که این سخنان توسط کسی گفته می شود که بارها در باره لزوم تعیین قیمت ها در «بازار آزاد» و بدور از دخالت دولت ها در این روند، سخن سر داده است.

ولی بر رغم زمزمه های مبنی بر افزایش تولید توسط اوپک، قیمت نفت در بازارها جهان در حدود ۳۲ دلار در بشکه باقی مانده است. دولت های غربی در مورد با قیمت نفت و اثر آن بر اقتصاد های خود نگرانند.

پرزیدنت اوبا سانجو، در همسویی با کلینتون، با بی شرمی گفت که نه قیمت بالا در بازارهای نفت جهان و نه قیمت های پایین به نفع تولید کنندگان و مصرف کنندگان است. او اظهار داشت: «ما باید در جهت ایجاد ثبات در قیمت نفت عمل کنیم، این به نفع همه است.» جالب است بدانیم که، ایالات متحده از تصمیم ونزوئلا مبنی بر احترام به سطوح تولید موافقت شده توسط اجلاس های رسمی اوپک، بشدت عصبانی است. وزیر انرژی ایالات متحده، بیل ریچاردسون، در روز ۸ شهریور، خواستار آن شد که سازمان اوپک تولید نفت خود را به منظور پایین آوردن قیمت ها افزایش دهد. سخنان ریچاردسون در جریان سفر او به قزاقستان ایراد شد مصادف با انعقاد قراردادی است که عملاً ۵۰ درصد سهام بزرگترین تولید کننده نفت قزاقستان، تفسیر چورویل، را کمپانی عظیم آمریکایی چوردن تصاحب کرد. در خواست افزایش تولید نفت بخشی از کارزار بین المللی واشنگتن برای کاهش قیمت منابع انرژی مورد نیاز اقتصاد عظیم ایالات متحده است. ایالات متحده امیدوار است که اظهارات بیل کلینتون در نیجریه و ریچاردسون در قزاقستان باعث خواهد شد که رهبران اوپک که در روز ۲۰ شهریور در وین جلسه خواهند داشت، تولید نفت خود را افزایش دهند. ریچاردسون اظهار داشت که «ایالات متحده امیدوار است که اوپک در جریان اجلاس خود در شهریور ماه تولید را افزایش بدهد، چرا که بازارها نمایندگان این هستند که جهان به نفت بیشتری نیاز دارد. تولید کنندگان و مصرف کنندگان هر دو به ثبات قیمت نفت نیاز دارند و ۳۲ دلار برای هر بشکه قیمت خیلی بالایی است. همان گونه که پرزیدنت کلینتون گفته است قیمت ایده آل برای نفت، بین ۲۰ تا ۲۵ دلار برای هر بشکه است.»

نگاهی به رویدادهای جهان

در هفته ای که گذشت □

خطر بیانداز و وضعیت سابق را میان دو کشور حاکم سازد. کره شمالی، روز قبل از مانور نظامی، تهدید کرد که، اگر مانور نظامی صورت گیرد، این کشور این حق را برای خود قائل خواهد شد تا مذاکرات را قطع و هر گونه همکاری با کره جنوبی را تحریم کند. کمیسیون اتحاد میان دو کره، در بیانیه بی اعلام کرد: «اگر مقامات کره جنوبی واقعا خواهان بهتر شدن روابط میان شمال و جنوب اند، اگر آنها خواهان صلح در شبه جزیره کره اند، باید از مانور نظامی چشم پوشی کنند.» کره شمالی بارها مانور نظامی مشترک کره جنوبی و آمریکا را محکوم کرده، و آن را خطری جدی برای امنیت، استقلال و صلح در منطقه می داند. کمیسیون فوق، همچنین در بیانیه بی دیگر، گفت که، انجام این مانور خبیانته به روند صلح میان دو کره است و به معنای تحریک کره شمالی به حساب می آید... آنها باید بدانند که انجام مانور نظامی باعث بازگشت به گذشته و به زمان قبل از ۱۵ ژوئن، خواهد شد... باعث ایجاد سد در گسترش تمامی روابط، گفتگوها، دیدارها و همکاریها میان شمال و جنوب خواهد شد.»

تشنج در خاورمیانه

با نزدیکتر شدن به ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریور)، و عدم توافق بر سر مسایل موجود میان فلسطین و اسرائیل در راه صلح، وضعیت متشنجی در منطقه ایجاد شده است که می تواند روند صلح از طریق مذاکرات کنونی را به طور جدی به خطر اندازد. یاسر عرفات بارها گفته است که، در روز ۱۳ سپتامبر کشور فلسطین مستقل را اعلام خواهد کرد و شرط صلح را کنترل کامل بر اورشلیم می داند. وی اعلام کرده است که اورشلیم پایتخت آتی فلسطین خواهد بود. از سوی دیگر، اسرائیل از پذیرش فلسطین به عنوان کشوری مستقل و واگذاری بخش شرقی اورشلیم به آن سر باز می زند. پس از جنگ ۶ روزه و اشغال بخش های وسیعی از خاک کشور های عربی هم مرز با اسرائیل، در چارچوب یک سیاست حساب شده، با تأسیس شهرک های یهودی نشین، تعداد کثیری از اتباع اسرائیلی و یهودیان مهاجر در این مناطق مستقر شدند. بازگشت به مرزهای قبلی، بدون پیدا کردن راه حلی برای ساکنان شهرک های یهودی نشین در مناطق تحت کنترل فلسطین، از مشکلات عمده ای است که وجود دارد و بسیاری از نیروهای فلسطینی حاضر به پذیرش این امر نیستند، و اعلام کرده اند که در صورت به دست گرفتن قدرت، تمامی یهودیان را از این مناطق بیرون خواهند راند.

دولت خودمختار فلسطین، تا کنون به پیشنهاد تقسیم اورشلیم جواب رد داده است، و خواستار کنترل تمامی این شهر مهم تاریخی است. از سوی دیگر و در شرایط فعلی، و با اظهارات یاسر عرفات و فشار برخی از کشورهای عربی و نیروهای سیاسی فلسطینی برای پس گیری کامل اورشلیم، هیچ گونه راه بازگشتی برای یاسر عرفات وجود ندارد تا بتواند شرایط جدیدی را برای مذاکرات صلح ایجاد کند، و این خود یکی از عوامل های تشنج کنونی در منطقه است. در همین مورد یاسر عرفات گفت که مسئله شرق اورشلیم «کلید صلح یا جنگ در خاورمیانه» است. از سوی دیگر، وزیر خارجه اسرائیل، «بن امی» ضمن اخطار به کشورهای اتحادیه اروپا در مورد پشتیبانی احتمالی از فلسطین، گفت: «اگر فلسطینی ها بر این باورند که بیشتر از این می توانند به دست آورند، در خطای مطلق بسر می برند، در خطایی اسف بار.» به هر حال خلق فلسطین قریب نیم قرن منتظر چنین روزی بوده است تا به طور رسمی کشور مستقل فلسطین را اعلام کند. اعلام این موضع که حق طبیعی و واقعی فلسطین است در عین حال در تضاد با سیاست های اعلام شده اسرائیل قرار می گیرد. این عاملی است

افزایش بودجه های نظامی در جهان

بنا به امار منتشر شده و تحقیقات صورت گرفته از طرف وزارت امور خارجه آمریکا، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی، در سال های اخیر، در خلاف جهت خواست و نیاز بین المللی برای کاهش تسلیحات نظامی، بودجه های نظامی خود را افزایش داده اند. بنا به همین گزارش، ایالات متحده، با فاصله بسیاری نسبت به سایر کشورها، بزرگترین صادر کننده اسلحه در جهان است. انگلستان، با یک چهارم صادرات ایالات متحده، در مقام دوم جای دارد. عربستان سعودی بزرگترین وارد کننده اسلحه است و چین در مقام دوم است. واردات عربستان دو و نیم برابر واردات چین است. طبق آخرین آمارگیری انجام شده در سال ۱۹۹۷، به ازای هر یک نفر، قریب ۱۷۰ دلار صرف تسلیحات نظامی شده است.

هزینه تسلیحات نظامی آمریکا در سال ۱۹۹۷، برابر با ۳۳ درصد کل هزینه های نظامی جهان بود، در حالی که ده سال قبل از آن، این رقم برابر با ۲۷ درصد بود. در سال ۱۹۹۷، مجموع هزینه های نظامی در جهان بالغ بر هزار میلیارد دلار شد، که افزایشی معادل ۳۰۰ میلیارد دلار، یا به عبارتی، ۲ درصد نسبت به سال قبل از آن را نشان می دهد. بیشترین افزایش بودجه های نظامی در کشور های رو به توسعه بود، که بالغ بر ۲۷۰ میلیارد دلار شد. سهم این کشورها از سال ۱۹۸۷، که برابر با ۱۷ درصد بود، به ۲۸ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. ایالات متحده بودجه بی بالغ بر ۳۲۵ میلیارد دلار را در سال ۱۹۹۷ برای تسلیحات نظامی اختصاص داد، که بزرگترین بودجه در جهان بود. چین با ۹۵ میلیارد دلار در مقام دوم قرار گرفت.

روسیه

«الکسی گودرین»، معاون نخست وزیر و وزیر اقتصاد روسیه، در گزارش مالی سال آینده اعلام کرد که، بودجه دولت برای مخارج نظامی بالغ بر ۷۴ میلیارد دلار خواهد شد. این به معنای افزایش هزینه های نظامی به مقدار یک میلیارد دلار خواهد بود. بنا به پیش بینی دولت، انتظار می رود که تورم سال آینده برابر با ۱۲ درصد شود. بنا بر این گزارش، این بودجه دربرگیرنده هزینه های سرسام آور گسترش برنامه های اسلحه سازی و نگهداری آنها نخواهد بود. همچنین «پوتین»، طی حکمی، دستور افزایش دستمزد نیروهای ارتش و پلیس را به میزان ۲۰ درصد را صادر کرد، که قرار است از روز اول دسامبر به مرحله اجرا در بیاید. افراد پلیس و ارتش تاکنون از پرداخت مالیات معاف بودند، اما از سال آینده موظفند مالیات بپردازند که برابر با ۱۳ درصد دستمزد است. «گودرین»، پس از ملاقات با پوتین، در مصاحبه بی اعلام کرد که، تمامی بودجه لازم در زمینه ارتقاء سطح دفاعی ارتش و گسترش و مدرنیزه کردن سلاح ها، برای سال آینده، تأمین خواهد شد. «یوگنی پریماکف»، رهبر حزب «سرزمین پدری»، در مصاحبه بی اعلام کرد که اگر بودجه نظامی برای سال آینده کمتر از ۳ درصد بودجه کشور شود، حزب او به بودجه سال آینده رای منفی خواهد داد.

مانور نظامی آمریکا و کره جنوبی

کره جنوبی و ایالات متحده، در روز ۱۳ مرداد، با وجود مخالفت و اعتراض کره شمالی، مانور مشترک نظامی سالیانه خود را انجام دادند. کره شمالی درباره این مانور نظامی اعلام کرد که، این اقدام می تواند مذاکرات صلح بین دو کره را به

کلمبیا: ویتنامی دیگر برای امپریالیسم یانکی

پیدا می کند و آنها مجبور خواهند بود که راه حل مذاکره دربارهٔ پیشنهادهای دولت را بپذیرند.» در یک مصاحبه جداگانه دیگر با فولها، پل راینز، فرمانده نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (FARC) و مسئول هیئت نمایندگی آن در مذاکرات صلح، گفت که، چریکها برای «شدیدترین درگیری ها در تاریخ کلمبیا آماده می شوند.» او اخطار کرد: «اگر دولت طرح کلمبیا را به مرحله اجرا بگذارد، در عمل به شدیدترین درگیری هایی که این کشور به خود دیده است، دامن خواهد زد. و ما برای آن آماده خواهیم بود.»

حقوق بشر آمریکایی!

کنگره آمریکا، در تیرماه گذشته، در زمان تصویب کمک اضطراری ۱/۳ میلیارد دلاری به کلمبیا، هدف خود را بهبود وضعیت وخیم حقوق بشر در این کشور اعلام کرد. سیاستمداران حاکم در آمریکا با اعلام پنج شرط در مورد بهبود سیستم قضایی رسیدگی به جنایات گسترده نیروهای نظامی دولتی و نیز جوخه های مرگ دست راستی بر ضد شهروندان کشور، سعی در پوشاندن اهداف واقعی حمایت آمریکا از «طرح کلمبیا» داشتند. ولی چند هفته یی پس از اعلام رسمی کمک آمریکا، کلینتون و رهبران ایالات متحده، با درک ناتوانی ذاتی دولت کلمبیا، در اظهاراتی شرایط اعلام شده را پس گرفتند. این شرایط شامل تعیین دادگاه های غیر نظامی برای رسیدگی به اتهام نقض حقوق بشر توسط نظامیان بود. سازمانهای حقوق بشر معتقدند که، دادگاههای نظامی غالباً از تعقیب موارد نقض حقوق بشر سرباز می زنند و یا برای آنها بی که در این رابطه دادگاهی می شوند حکم براءت صادر می کنند. یک مقام رسمی آمریکا در بارهٔ عدم توانایی دولت کلمبیا در بر آوردن شرایط مصوب از سوی کنگره این کشور، با ادعای این که کلمبیا در جهت برخی از شرایط قدم هایی بر داشته است، گفت: «شما انتظار نباید داشته باشید که کلمبیا قادر باشد همه این معیارها را عملی سازد.»

سازمان «دیده بان حقوق بشر»، در بیانیه یی فاش کرد که، کلمبیا «هیچ کدام از پنج شرط ملحوظ شده در لایحه را اجرا نکرده است.» و اعلام کرد: «صرفنظر کردن از این شرایط که متضمن چشم پوشی بر وضعیت اسف انگیز حقوق بشر در کلمبیا است، این پیام صریح را به دولت کلمبیا و نیروهای امنیتی آن می رساند که، پای بندی ایالات متحده به حقوق بشر از شعارهای تو خالی فراتر نمی رود.»

■ ■ ■

این حقیقت که ملاقات بیل کلینتون با آندرس پاستارانانا، به عوض بوگوتا، پایتخت کلمبیا، در شهر کارتا هینا صورت گرفت، خود بیانگر این حقیقت است که نیروهای مردمی تا چه حد نفوذ گسترده یی در کشور دارند و کنترل واقعی دولت تا چه حد است. گرچه مقامات رسمی دلیل انتخاب کارتا هینا را «مسایل لجستیکی و ترافیک سنگین بوگوتا» دانستند، اما واقعیت این است که، چریکهای ارتش انقلابی کلمبیا، که ۵۰ درصد

امپریالیسم آمریکا، در ماه های اخیر، در تلاش برای جلوگیری از سقوط دولت دست راستی و سر سپرده در کلمبیا، به طور بی سابقه یی دامنه مداخلات نظامی مستقیم خود را در این کشور گسترش داده است. طراحان سیاست کاخ سفید، در هراس از اوجگیری مخالفت های وسیع افکار عمومی جهان، مدعی اند که، مداخله این کشور در کلمبیا برای مبارزه با مواد مخدر و اعاده صلح و ثبات و دموکراسی به کلمبیا است. ابعاد کمک نظامی امپریالیسم آمریکا، در کنار شرکت کشورهای اتحادیه اروپا در این مداخلات و نوع تسلیحات مورد استفاده قرار گرفته در جنگ بر ضد ارتش جنبش چریکی، و همچنین نگرانی کشورهای همسایه کلمبیا از گسترش جنگ در منطقه و تاکتیک های غیر انسانی دولت کلمبیا، نظیر بسیج جوخه های مرگ و گروه های نظامی ماوراءراست همه نشانه هایی از ایجاد ویتنامی دیگر، این بار در آمریکای لاتین است.

مسافرت بیل کلینتون به کلمبیا، در روز ۹ شهریور، که اولین سفر یک رئیس جمهوری آمریکا در ده سال گذشته به این کشور است، قبل از هر چیز در بردارنده این پیام است که، آمریکا قصد دارد با همه امکانات خود تا آخرین لحظه به دولت سر سپرده آندرس پاستارانانا در جنگ بر ضد جنبش چریکی انقلابی کمک کند.

در بیانیه یی در ۱۴ مردادماه، بیل کلینتون در هنگام اعلام سفر خود به کلمبیا برای گفتگو با پرزیدنت آندرس پاستارانانا، یک دلیل این سفر را تأکید مجدد حمایت آمریکا از کوشش های کلمبیا برای یافتن صلح، مبارزه با مواد مخدر، ساختمان اقتصادی و تعمیق «دموکراسی» دانست. کلینتون گفت: «موفقیت کلمبیا عمیقاً به نفع ایالات متحده است. یک کلمبیای صلح آمیز، دموکراتیک و از نظر اقتصادی مرفه به ترفیع دموکراسی و ثبات در تمامی نیم کره کمک خواهد کرد.» کلینتون با تأکید به این که کوششهای او از طرف دموکراتها و جمهوریخواهان مورد حمایت بوده است اعلام کرد که: «این راه بر پیشبرد منافع ایالات متحده در منطقه منطبق است.»

حداثیت کلمبیا برای ایالات متحده، در کنار موقعیت استراتژیک این کشور در آمریکای لاتین، همچنین وجود منابع سرشار نفت و دیگر ثروت های طبیعی آن است. کلینتون در جریان مسافرت چهار ساعته خود به کلمبیا، در روز ۸ شهریورماه طی سخنانی در شهر کارتا هینا، حمایت بی قید و شرط آمریکا را از مواضع پرزیدنت پاستارانانا نسبت به «طرح کلمبیا» که به موجب آن ایالات متحده در تیر ماه امسال ۱/۳ میلیارد دلار به این کشور کمک نمود، اعلام کرد. هدف این طرح، فشار به جنبش چریکی برای خاتمه دادن به نزدیک به چهار دهه مبارزه با دولت مرکزی است. در ده سال اخیر بیش از ۳۵ هزار نفر در جنگ داخلی این کشور جان خود را از دست داده اند.

جنگ و «نه» صلح!

در حقیقت، رهبران کلمبیا موافقت ایالات متحده با «طرح کلمبیا» را چراغ سبزی برای گسترش همه جانبه جنگ داخلی و نقض برخی از موافقت نامه های حاصله در جریان مذاکرات صلح قلمداد کرده اند. ژنرال فرناندو تا پیاز، فرمانده کل نیروهای نظامی کلمبیا، در مصاحبه یی با روزنامه برزیلی فولها که در سائو پولو چاپ می شود، اعلام کرد، که تشدید جنگ بر علیه چریکهای (FARC) نمایشگر یک «نقطه بی بازگشت» در روند صلح است. ژنرال تا پیاز گفت که، «طرح کلمبیا» جنبش چریکی را مجبور خواهد کرد که به سه دهه مبارزه خود برای اصلاحات دموکراتیک در کشور پایان دهد. او گفت: «آنچه روشن است این است که صلح خواهد شد اما ابتدا جنگ خواهد بود. من می گویم که طرح کلمبیا یک مقطع عدم بازگشت در روند صلح ایجاد می کند. با طرح کلمبیا، در آمد از مواد مخدر کاهش جدی

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:591
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 September 2000

شمارهٔ فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک